

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شیوه‌های روایت‌پردازی هوشنگ گلشیری در رمان شازده احتجاب و
مجموعه داستان کوتاه مثل همیشه

پژوهشگر:

شیدا صالحی

استاد راهنما:

دکتر پارسا یعقوبی

استاد مشاور:

دکتر تیمور مالمیر

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

*****تعهد نامه*****

اینجانب شیدا صالحی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

شیدا صالحی

۱۳۹۰/۲/۷



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شیوه‌های روایت‌پردازی هوشنگ گلشیری در رمان شازده احتجاب و
مجموعه داستان کوتاه مثل همیشه

پژوهشگر:

شیدا صالحی

در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۷ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ۱۹/۳۷
و درجه عالی به تصویب رسید.

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	استادیار	دکتر پارسا یعقوبی	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر تیمور مال میر	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر صالح ادیبی	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر نجم‌الدین جباری	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی

مهر و امضاء گروه

دانشکده

این پایان نامه را تقدیم میکنم:

به پدرم که زحماتش را تاوانی نخواهد
بود و بودنم تنها برای بودن اوست.

به مادرم که رومم برای اوست و جانم
فدای او.

به فواهرم، بهترین دوستم، و سنگ
صبورم

و به برادرانم که چون جان دوستشان
دارم،

و قوت قلبم از وجود آنان است.

تقدیرنامه

خدا را شکر میکنم که تلاشها به ثمر رسید و این پایان نامه به نیکویی خاتمه یافت.

پس از شکر و سپاس الهی، سپاسهای خالصانه‌ی خود را نثار استادم، دکتر یعقوبی میکنم که هیچ‌گاه مرا از یاری و راهنمایی خود بینصیب نکردند و بدون کمک ایشان این رساله به انجام ن میرسید. نیز والاترین سپاس و تشکر را تقدیم استادانم دکتر مالمیر، دکتر جباری و دکتر ادیبی میکنم.

از خانواده‌ام سپاسگذارم که پایه پای من همراهی کردند و یاریم دادند.

در پایان از همهی دوستانم که با صداقت و محبت خود به من دلگرمی بخشیدند، تشکر میکنم.

امیدوارم این اندک را چون هدیه‌های کوچک از من بپذیرند.

چکیده

رساله‌ی حاضر به بررسی شیوه‌های روایت‌پردازی هوشنگ گلشیری در رمان *شازده احتجاب* و مجموعه‌ی داستان کوتاه *مثل همیشه* اختصاص یافته است. مطالب پایان نامه در پنج فصل گردآوری شده است. در این پژوهش سعی بر آن بوده که تجزیه و تحلیل مهم‌ترین عناصر روایی از قبیل شیوه‌ی روایت، پیرنگ و شخصیت‌پردازی و نیز تبیین الگوی ارتباط روایی داستان‌های مذکور از نویسنده تا خواننده در اولویت کار قرار بگیرد. بر اساس تحلیل‌های انجام شده، شیوه‌ی روایت‌گری مدرن جریان سیال ذهن و مبحث زمان، مهم‌ترین نکته‌ی قابل بحث در رمان *شازده احتجاب* است. این عوامل کل داستان را تحت تأثیر خود قرار داده، فرم، ساختار و پیرنگ غیر خطی داستان هم بر اساس آن‌ها شکل گرفته است. اما در داستان کوتاه‌ها غالباً با شیوه‌ی روایت‌گری سنتی مواجهیم و نمود مدرنیته و پست مدرنیته به شکل کم رنگ‌تر و با اشکال مختلفی چون بی‌اسم بودن شخصیت‌های بعضی داستان‌ها، ذکر اسامی به صورت حروف به جای اسم کامل، راوی فراداستان و سطوح روایی دوگانه در بعضی از داستان‌ها به نمایش درآمده است. در تمام داستان‌های کار شده شاهد هستیم نویسنده با استفاده از راویان مختلف و نیز به کمک پیوندهای شدید عناصر داستان و کاربرد خاصی که از هر عنصر دارد با خواننده در ارتباط است.

کلمات کلیدی: روایت‌پردازی، *شازده احتجاب*، مثل همیشه، عناصر روایی، الگوی ارتباط روایی، جریان سیال ذهن.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۱	مقدمه..... ۲
۲-۱	پرسش‌های تحقیق..... ۳
۳-۱	اهداف تحقیق..... ۳
۴-۱	اهمیت تحقیق..... ۳
۵-۱	محدودیت تحقیق..... ۳
۶-۱	روش تحقیق..... ۴
۷-۱	پیشینه‌ی تحقیق..... ۴-۷
۸-۱	جریان سیال ذهن..... ۷-۸
۹-۱	روایت..... ۸
۱۰-۱	روایتگری..... ۸
۱۱-۱	الگوی ارتباط روایی..... ۸-۹
۱۲-۱	فرم..... ۱۰
۱۳-۱	تعریف اصطلاحات..... ۱۰
۱-۱۳-۱	راوی..... ۱۰-۱۱
۲-۱۳-۱	زاویه دید..... ۱۱
۳-۱۳-۱	پیرنگ..... ۱۱-۱۲
۱-۳-۱۳-۱	گره افکنی..... ۱۱
۲-۳-۱۳-۱	کشمکش..... ۱۱
۳-۳-۱۳-۱	تعلیق..... ۱۲
۴-۳-۱۳-۱	بحران..... ۱۲

- ۱۲.....۵-۳-۱۳-۱ نقطه‌ی اوج.....
- ۱۲.....۶-۳-۱۳-۱ گره‌گشایی.....
- ۱۲.....۷-۳-۱۳-۱ نتیجه‌گیری.....
- ۱۲.....۸-۳-۱۳-۱ رخداد.....
- ۱۲.....۹-۳-۱۳-۱ سطوح (پیرفت‌های) داستانی.....
- ۱۳.....۴-۱۳-۱ شخصیت و شخصیت‌پردازی.....

فصل دوم (تجزیه و تحلیل داستان کوتاه‌ها)

- ۱۵.....۱-۲ مقدمه.....
- ۱۶.....۲-۲ بخش اول: تحلیل عناصر روایی داستان کوتاه‌ها.....
- ۱۶.....۱-۲-۲ شب شک.....
- ۱۶.....۱-۱-۲-۲ خلاصه‌ی داستان.....
- ۱۶-۱۷.....۲-۱-۲-۲ شیوه‌ی روایت.....
- ۱۷-۱۸.....۳-۱-۲-۲ پیرنگ.....
- ۱۹-۲۰.....۴-۱-۲-۲ شخصیت‌پردازی.....
- ۲۰-۲۱.....۵-۱-۲-۲ فرم.....
- ۲۱.....۲-۲-۲ مثل همیشه.....
- ۲۱.....۱-۲-۲-۲ خلاصه‌ی داستان.....
- ۲۲.....۲-۲-۲-۲ شیوه‌ی روایت.....
- ۲۲-۲۴.....۳-۲-۲-۲ پیرنگ.....
- ۲۴-۲۵.....۴-۲-۲-۲ شخصیت‌پردازی.....
- ۲۵-۲۶.....۵-۲-۲-۲ فرم.....
- ۲۶.....۳-۲-۲-۲ دخمه‌ای برای سمور آبی.....
- ۲۶-۲۷.....۱-۳-۲-۲ خلاصه‌ی داستان.....
- ۲۷-۲۸.....۲-۳-۲-۲ شیوه‌ی روایت.....

۲۸-۳۰.....	پیرنگ ۳-۳-۲-۲.....
۳۰.....	شخصیت پردازی ۴-۳-۲-۲.....
۳۰-۳۲.....	فرم ۵-۳-۲-۲.....
۳۲.....	عیادت ۴-۲-۲.....
۳۲.....	خلاصه‌ی داستان ۱-۴-۲-۲.....
۳۲.....	شیوه‌ی روایت ۲-۴-۲-۲.....
۳۳-۳۴.....	پیرنگ ۳-۴-۲-۲.....
۳۴.....	شخصیت پردازی ۴-۴-۲-۲.....
۳۴-۳۵.....	فرم ۵-۴-۲-۲.....
۳۵.....	پشت ساقه‌های نازک تجیر ۵-۲-۲.....
۳۵-۳۶.....	خلاصه‌ی داستان ۱-۵-۲-۲.....
۳۶.....	شیوه‌ی روایت ۲-۵-۲-۲.....
۳۶-۳۷.....	پیرنگ ۳-۵-۲-۲.....
۳۷.....	شخصیت پردازی ۴-۵-۲-۲.....
۳۷-۳۸.....	فرم ۵-۵-۲-۲.....
۳۸.....	یک داستان خوب اجتماعی ۶-۲-۲.....
۳۸-۳۹.....	خلاصه‌ی داستان ۱-۶-۲-۲.....
۳۹.....	شیوه‌ی روایت ۲-۶-۲-۲.....
۳۹-۴۰.....	پیرنگ ۳-۶-۲-۲.....
۴۰.....	شخصیت پردازی ۴-۶-۲-۲.....
۴۰-۴۱.....	فرم ۵-۶-۲-۲.....
۴۱.....	مردی با کراوات سرخ ۷-۲-۲.....
۴۱-۴۲.....	خلاصه‌ی داستان ۱-۷-۲-۲.....
۴۲-۴۳.....	شیوه‌ی روایت ۲-۷-۲-۲.....

۴۳-۴۴.....	پیرنگ ۳-۷-۲-۲
۴۴.....	شخصیت پردازی ۴-۷-۲-۲
۴۵-۴۶.....	فرم ۵-۷-۲-۲
۴۶.....	بخش دوم: داستان‌های کوتاه در یک نگاه از راوی تا خواننده ۳-۲
۴۶-۴۷.....	۱-۳-۲ شب شک
۴۷-۴۸.....	۲-۳-۲ مثل همیشه
۴۸-۴۹.....	۳-۳-۲ دخمه‌ای برای سمور آبی
۴۹-۵۰.....	۴-۳-۲ عیادت
۵۰.....	۵-۳-۲ پشت ساقه‌های نازک تجیر
۵۰-۵۱.....	۶-۳-۲ یک داستان خوب اجتماعی
۵۱.....	۷-۳-۲ مردی با کراوات سرخ

فصل سوم (تجزیه و تحلیل شازده احتجاب)

۵۳.....	۱-۳ مقدمه
۵۴.....	۲-۳ بخش اول: تحلیل عناصر روایی شازده احتجاب
۵۳-۵۷.....	۱-۲-۳ خلاصه‌ی رمان شازده احتجاب
۵۷-۶۰.....	۲-۲-۳ شیوه‌ی روایت شازده احتجاب
۶۱-۶۸.....	۳-۲-۳ پیرنگ شازده احتجاب
۶۹-۷۷.....	۴-۲-۳ شخصیت پردازی شازده احتجاب
۷۷-۸۴.....	۵-۲-۳ فرم شازده احتجاب
۸۴-۸۷.....	۳-۳ بخش دوم: شازده احتجاب در یک نگاه از راوی تا خواننده
۸۱-۹۴.....	فصل چهارم (نتیجه‌گیری)
۹۵-۹۶.....	فهرست مآخذ

فصل اول

کلیات

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

داستان‌نویسی در ایران به شیوه‌ی مدرن و نو سابقه‌ی فراوانی ندارد اما از زمانی که، نویسندگان معاصر پس از جمالزاده، به داستان‌نویسی با شیوه و فرم غربی آن آشنا شده‌اند، دائم در پی آن بودند که بر جنبه‌های تکنیکی آن بفزایند، تا آنکه نوبت به **هوشنگ گلشیری** (۱۳۷۹-۱۳۱۶) رسید. وی بیشتر از هر داستان‌نویسی، هنر خود را وقف تقویت تکنیک داستان کرده است. یکی از شگردهای مهم وی در این کار، استفاده‌ی مناسب از شیوه‌های روایتگری است. در پژوهش پیش‌رو که در حوزه‌ی روایت و روایت‌پردازی قرار می‌گیرد- شیوه‌های روایت‌پردازی هوشنگ گلشیری در رمان **شازده احتجاب** و مجموعه‌ی داستان کوتاه **مثل همیشه** بررسی می‌شود. شیوه‌های روایت‌پردازی هر اثری با کاربرد خاص تمامی عناصر داستان و ارتباط متقابل آن‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرد و این که نویسنده از طریق راوی چگونه این شیوه‌ها و ارتباطات را به خواننده منتقل می‌کند. فرم، ساختار و الگوی ارتباط روایی نهایی این داستان‌ها، براساس تعامل عناصر روایت‌پردازی و داستان‌نویسی به دست می‌آید. نکته‌ی دیگر- که شایان ذکر است- فرم‌گرایی گلشیری است که در نظر محققان عمدتاً در قالب پیوند سنت و مدرنیته و بحث جریان سیال ذهن نمود یافته است، در حالی که اگر جزئی‌تر بنگریم بحث فرم را با توجه به عناصر داستان به کار برده که منجر به وحدت و انسجام روایت شده تا به جای بیان موضوع و درون‌مایه به نمایش آن‌ها بپردازد. تعاملات میان عناصر و پی بردن به شیوه‌ی ارتباط نویسنده با خواننده در خوانش و فهم آثار نویسنده بسیار مؤثر است. اشکال مختلف حضور راوی در داستان نیز در ایجاد ارتباط میان نویسنده و خواننده تأثیر می‌گذارد. درک این پیوندها و شیوه‌ی روایتگری نویسنده با واژگانی نظیر روایت، روایتگری، راوی، زاویه‌دید، شخصیت، و غیره مرتبط است.

۲-۱- پرسش‌های تحقیق

۱- عمده‌ترین شیوه‌های داستان‌نویسی فرم‌گرا و مدرن هوشنگ گلشیری در رمان *شازده احتجاب* و مجموعه‌ی مثل همیشه کدام است؟

۲- برای خوانش بهتر (درک) داستان‌های گلشیری به چه نکاتی باید توجه کرد؟

۳- نگرش جریان سیال ذهن با تاکید و تحول در کدام عنصر داستان و به چه شکل در آثار مذکور نمود یافته است؟

۴- شیوه‌ی الگوی روایی از نویسنده تا خواننده چگونه در این داستان‌ها نمود یافته است؟

۳-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، آشنایی بیشتر با شیوه‌های روایت‌پردازی هوشنگ گلشیری، تجزیه و تحلیل کامل‌تر عناصر داستان و درک تکنیک‌های مدرن داستان‌نویسی اوست. هدف دیگر خوانش بهتر آثار نویسنده به کمک تحلیل شیوه‌های کاربرد عناصر و روایتگری و فرم در آثار مذکور است تا عامل تسهیل در فهم دیگر آثار او برای دانشجویان علاقه‌مند به ادبیات معاصر منتور فارسی باشد.

۴-۱- اهمیت تحقیق

بررسی شیوه‌های روایت‌پردازی در تمام داستان‌ها دارای اهمیت بسیار است. شیوه‌های روایت‌پردازی در داستان‌های معاصر و از جمله آثار گلشیری تنوع فراوانی دارد. با درک و شناخت این شیوه‌ها، عناصر داستان، فرم و سبک نویسنده در این دو اثر نقاط اتکایی برای درک دیگر آثار او و حتی تمام آثار نثر مدرن ایران به وجود می‌آید.

۵-۱- محدودیت تحقیق

به دلیل فراوانی آثار و کتب نوشته شده درباره‌ی روایت‌گری و عناصر داستان، فرصت بررسی تمام آنها مقدور نبود. دیگرآنکه ذکر این نکته لازم است که چون تمام تحلیل‌ها شخصاً انجام شده و آثار گلشیری به گونه‌ای است که نوشتن درباره‌ی آن تمامی ندارد، محدودیت صفحات پایان‌نامه، مانع نوشتن تمامی نظرات و تشریح جزء به جزء همه‌ی عناصر می‌شد.

۱-۶- روش تحقیق

روش کار بدین صورت است که تجزیه و تحلیل داستان‌ها و رمان در دو بخش انجام گرفته است. در قسمت اول عناصر داستانی را تحلیل کرده و در قسمت دوم از منظر الگوی ارتباط روایی به داستان‌ها پرداخته‌ایم. در بخش اول ابتدا برای هر داستانی خلاصه‌ای کاملاً منطبق بر سیر پیشرفت وقایع داستان بر اساس زمان آن‌ها- این امر بخصوص در شازده احتجاب به علت زمان‌مدار بودن داستان- رعایت شده است و نه یک خلاصه‌ی کاملاً خطی برای آن‌که، هر رویدادی درست همان جایی آورده شود که در پیرنگ داستان وجود دارد. سپس شیوه‌ی روایت داستان را بر اساس نوع زاویه‌دید راوی توضیح داده‌ایم، که نشان می‌دهد نویسنده چگونه و با چه چارچوب روایی داستان را پیش می‌برد، آنگاه به پیرنگ داستان پرداخته‌ایم که با در نظر گرفتن زمان، مکان، وقایع، توالی و عدم توالی وقایع و سطوح روایی، تحلیل شده است. نکته‌ی بعدی که بحث و بررسی شده است، شخصیت و شیوه‌ی پردازش آن است. در بخش پایانی نیز به فرم داستان اشاره کرده‌ایم که پیوندهای آشکار و مخفی عناصر روایی داستان‌ها و نیز اشتراکات و افتراقات هر داستان را با دیگری نشان می‌دهد. در بخش دوم به بررسی راوی، روایت شنو، مؤلف پنهان، نویسنده، خواننده و شیوه‌ی ارتباط هریک با هم می‌پردازیم.

۱-۷- پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی گلشیری کتب و مقالات زیادی نوشته شده است، که در هر کدام از آن‌ها یک یا چند اثر او بررسی شده است. اما پژوهش‌هایی که درباره‌ی **شازده احتجاب** و مجموعه‌ی **مثل همیشه** انجام گرفته کم تعدادتر است. در اینجا به آثاری که به دو اثر مذکور پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم.

سناپور (۱۳۷۹) به گردآوری مقالاتی که جسته و گریخته در مورد گلشیری و بعضی از آثارش، نوشته شده، دست زده است. مثلاً میرعبدینی درباره‌ی **مثل همیشه** اذعان می‌دارد: «در شب شک یک شخصیت از ورای اظهارات ضد و نقیض این و آن در مورد او، شکل می‌گیرد... و کنار هم نهادن قول‌های متفاوت، به نوعی ساخت داستانی تکه تکه می‌انجامد». درباره‌ی **مردی با کراوات سرخ** می‌گوید «مأموری که در داستان **مردی با کراوات سرخ** هست سیر و سلوک روزمره‌ی روشنفکری به نام س.م. را به مافوق خود گزارش می‌دهد، در پایان ماجرا به نوعی همذات‌پنداری با او می‌رسد». درباره‌ی **شازده احتجاب** گفته است: «نویسنده به سیر و سفری پر بار در تاریخ رفته و نثر خود را با توجه به سفرنامه‌های دوران قاجار شکل داده است. با وجود درهم‌آمیزی زمان‌ها، انضباط درونی، ترکیب منسجمی از واقعیت و کابوس تاریخ به داستان داده است». **حسینی** معتقد است: «از خصوصیات **شازده احتجاب** و سایر آثار گلشیری مینیاتورکاری یعنی فضاسازی‌های آینه‌گون و

شاعرانه بودن است». او همچنین به بررسی تطبیقی **خشم و هیاهوی** فاکتر و **شازده احتجاب** نیز پرداخته است. **سمعی** به بررسی تطبیقی **شازده احتجاب** و **بوف کور** می‌پردازد و شیوه‌ی روایی جریان سیالی، شباهات شخصیت‌ها، صحنه‌های مشابه هر دو را نتیجه می‌گیرد. **مندنی‌پور** درباره‌ی **دخمه‌ای برای سمور آبی**، به روایت ذهنی راوی اشاره کرده و می‌گوید: راوی به بیان گفتگوها بدون آوردن عبارات توضیحی مانند فلانی گفت، می‌پردازد.

میر عابدینی (۱۳۸۰) درباره‌ی مجموعه‌ی **مثل همیشه** می‌گوید «نویسنده با قرار گرفتن در موقعیت ذهنی کارمندان دون‌پایه، ملال زندگی آن‌ها را نشان می‌دهد». نویسنده **شب شک** را «پیچیده‌ترین داستان شیوه‌ی ذهنی مجموعه می‌داند» و ویژگی‌هایی دیگر چون شیوه‌ی پلیسی و تلاش برای شناخت انسان برای آن برشمرده است. در مورد داستان **مثل همیشه**، به بحران درونی شخصیت‌های داستان اشاره دارد. در **دخمه‌ای برای سمور آبی** از «تک‌گویی درونی راوی، تلفیق دنیای هذیانی و عینی، مواجهه با بحران زندگی و مرگ» صحبت می‌کند. دیگری شدن از طریق جستجوی خود در آینه‌ی دیگران را درون‌مایه‌ی **مردی با کراوات سرخ** می‌داند. میر عابدینی معتقد است «**مثل همیشه** ابزاری برای کشف و شناخت است». درباره‌ی **شازده احتجاب** می‌گوید «در این رمان انضباطی دقیق رعایت شده است طرح وقایع خوب است. نویسنده دنیای بی‌آینده و سرشار از مرگ **شازده** را نشان می‌دهد».

مهرور (۱۳۸۳) درباره‌ی **شب شک** می‌گوید: «یک پدیده‌ی معلوم در ذهن افراد به تردید می‌انجامد». «داستان **مثل همیشه** بر پایه‌ی خاطره بنا شده است و دریافت تمام جملات آن بحران اندیشه و ذهن سیر درونی و واقعه‌ی قتل یک جوان و کوشش برای کشف راز آن با هم تنیده شده و نویسنده از زبان پیرمرد صاحب‌خانه بر ابتدال زندگی تاخته است». **دخمه‌ای برای سمور آبی** گفتار ذهنی معلمی است و مانند داستان **بوف کور** است، نثر داستان شعرگونه است. «درون‌مایه‌ی **مردی با کراوات سرخ**، دیدن تصویر خود در آینه‌ی دیگران است». در **شازده احتجاب**: «سفر **شازده** در رویا با عکس‌های خاندانش داستان را بر صحنه‌ی تاریخ می‌گستراند و اثری تعلیمی غنایی می‌سازد. رمان توصیف زوال اشرافیت است. و مانند فصلی یگانه با ساختاری تودرتو ولی با طرحی حساب شده می‌باشد». دیدگاه‌های داستان توضیح داده شده است. زنان داستان قربانیان همین **شازده‌ها** هستند. توصیف صحنه‌ها غیرمستقیم است. نثر داستان پر از تشبیه، استعاره و نماد است.

بیات (۱۳۸۷) به بررسی شیوه‌ی جریان سیال ذهن در **شازده احتجاب** گلشیری می‌پردازد. پس از نوشتن خلاصه‌ی داستان، شیوه‌ی روایت داستان را بررسی کرده است. سپس زاویه‌دید و نیز عدم توالی صحنه‌های داستان را توضیح داده و کارکردهای زبانی داستان و عناصر شاعرانگی و موسیقایی

آن را یادآوری کرده است. سپس داستان را با توجه به ارتباط آن با خواننده بررسی می‌کند و می‌گوید: «خواننده با رویارویی با روایت‌های متعدد در تجربه‌ی بازآفرینی متن نقش یافته است». درباره‌ی طرح می‌گوید که «از پیش اندیشیده نیست اما بیشتر از سایر داستان‌های جریان سیال ذهن انسجام دارد». در آخرین بخش درباره‌ی زمان داستان به تقابل زمان عینی و ذهنی اشاره کرده و این‌که شازده با گریزاز زمان تقویمی به خاطراتش پناه می‌برد. از نظر نویسنده «رمان اولین تجربه‌ی جدی داستان‌نویسی ایران به شیوه‌ی جریان سیال ذهن است و اصالت دادن به ذهنیات شخصیت‌ها دغدغه‌ی اصلی نویسنده است».

شیری (۱۳۸۷) بر اساس اقلیم‌های داستان‌نویسی به بررسی و تحلیل آثار نویسندگان پرداخته و تحت عنوان اقلیم یا مکتب اصفهان به آثار گلشیری نگاهی انداخته است. پس از ذکر ویژگی‌های این مکتب اشاره‌هایی نیز به گلشیری دارد. نویسنده درباره‌ی **شازده احتجاب** گفته است: «گلشیری با انتشار **شازده احتجاب** یکباره خود را به مقامی قابل مقایسه با هدایت رساند. مقبولیت شیوه‌ی جریان سیال ذهن مرهون انتشار **شازده احتجاب** است و توجه بسیار بر فرم، تکنیک و ساختار در رمان، کاملاً نمایان است».

براهنی (۱۳۷۹) می‌گوید: «گلشیری هم‌سنگ چوبک و صادقی است، نثر و زبان یگانه‌ای دارد و از رمان و قصه‌ی کوتاه بلند نوع‌زدایی کرده است که نتیجه، **شازده احتجاب** است. در آثارش وسواس مرگ و انسان وجود دارد، که تعیین‌کننده‌ی ذات اثر شده است. نویسنده حتی مرگ را با لذت می‌نویسد».

اسدی (۱۳۸۰) به ویژگی‌های برجسته‌ی سبکی برخی از آثار وی می‌پردازد.

قویمی (۱۳۸۷) رمان **شازده احتجاب** را با دلایل زیر از سری رمان‌های سوررئال می‌داند. چون رمان شرح رؤیاهای شازده‌ی رو به مرگ است، نویسنده در قید و بند حقیقت‌نمایی نیست و درونی‌ترین اندیشه‌های قهرمان را به تصویر می‌کشد و مانند نویسندگان سوررئال، غریب‌ترین حوادث هستی را حاکی از تداخل ذهن و رویا با حوادث اجتماعی و مادی می‌داند، متن نیز آمیزه‌ای از توهمات و کابوس‌هاست که بی‌هیچ توضیحی در کنار هم آمده است.

حسن لی (۱۳۸۸) درباره‌ی رمان می‌گوید: «در داستان بر فرم و شیوه‌ی روایت بیشتر تکیه شده است و استفاده از تکنیک‌های روایی تک‌گویی درونی مستقیم و غیرمستقیم مکرر انجام گرفته است. داستان از نظر روایت ساختاری منسجم دارد. روایت داستان به شیوه‌ی جریان سیال ذهن است ولی آشفتگی این نوع داستان‌ها را ندارد».

صابرپور (۱۳۸۸) معتقد است: «انسجام داستان مرهون پیرنگ و درون‌مایه‌های تکرارشونده چون سل اجدادی و جنایت است. صندلی در داستان تجسم قدرت است. گلشیری پدر بزرگ را به شکل شخصیت تک‌بعدی‌ای ساخته است. اما ویژگی‌های انسانی چون پشیمانی از اعمال خود مانع از تپ شدن او شده است.» از نکات بیان شده در مقاله، اشاره به تقابل پدر و پدربزرگ است؛ پدر تکیه داده به بالش، در حال تریاک کشیدن و پدربزرگ تکیه داده به صندلی، با شمشیر و چکمه. شازده نماینده‌ی نابودی خانواده و اتمام قدرت آن‌هاست. در این مقاله بیشتر به بررسی نشانه‌ها و نمادها پرداخته شده است.

در بیشتر این کتب و مقالات مقوله‌هایی تکراری گفته شده است، از قبیل شیوه‌ی روایی جریان سیال ذهن داستان، تک‌گویی شخصیت‌ها و تکیه بر تکنیک داشتن رمان. گاه به نکاتی جدید از قبیل سوررئال و فرم‌مدار بودن داستان اشاره شده اما در هیچ اثری فرم داستان ترسیم نشده است. درباره‌ی پیرنگ منسجم داستان در بعضی از کتب و مقالات نکاتی گفته شده است اما تغییرات صحنه‌های داستان که با خود زمان و مکان و توالی را به هم ریخته‌اند، معرفی و مشخص نشده است تا اختلاف انسجام داستان را با انسجام معمولی آثار کلاسیک نشان دهد. به شخصیت‌ها و نمادگونگی آن‌ها و حتی توضیح این نمادگونگی پرداخته شده اما ذکر این نکته لازم است که شخصیت‌ها در دل زمان آفریده شده‌اند و پردازش آن‌ها در درون زمان از هم‌گسسته میسر است. در مجموعه‌ی داستان شب شک نیز تنها سه داستان دخمه‌ای برای سمور آبی، شب شک و مثل همیشه بررسی شده است.

در ادامه‌ی بحث پیشینه ذکر نکاتی چند ضروری می‌نماید، و آن اشاره به شیوه‌ی روایی جریان سیال ذهن است؛ زیرا آثار گلشیری تحت تأثیر آن است. پس از معرفی عناصر بنیادینی چون روایتگری و الگوی ارتباط روایی از نویسنده تا خواننده، به مبحث تعاریف می‌پردازیم.

۱-۸- جریان سیال ذهن

جریان سیال ذهن شیوه‌ایست در روایت که به موجب آن عمق جریان ذهنی یک شخصیت که آمیزه‌ایست از ادراکات حسی و افکار آگاه و نیمه آگاه، خاطرات، احساسات و تداعی‌های تصادفی که به همان صورت بیان می‌شود (داد، ۱۳۸۷: ۹۹). ویلیام جیمز نخستین کسی است که اصطلاح جریان سیال ذهن را- البته در حوزه‌ی علم روانشناسی به کار برده است (بیات، ۱۳۸۷: ۲۷). انواع شیوه‌های روایت در این داستان‌ها عبارتند از: تک‌گویی درونی مستقیم، تک‌گویی درونی غیرمستقیم، دانای کل و حدیث‌نفس (بیات، ۱۳۸۷: ۷۷). شخصیت این داستان‌ها نیز تفاوت‌های بارزی با شخصیت‌های سایر داستان‌ها دارد به طوری که «شیوه‌ی جریان سیال ذهن آدم‌های داستان را از دایره‌ی زمان و مکان بیرون می‌گذارد، نوسانات ذهنی را از سلسله حوادث دنیای مادی مجزا می‌سازد

و حالات روحی را بر واقعیت عینی تفوق می‌بخشد (پرهام، ۱۳۶۲: ۶۳). داستان‌نویسی به شیوه‌ی جریان سیال ذهن پیشرفت به سوی مدرنیته است. مدرنیسم و خصوصیات آن در داستان‌های گلشیری به خوبی پیداست. واژه‌ی مدرن در قرن هفدهم وارد عرصه‌ی منازعات روشنفکری اروپای غربی شد. وجه بارز و آشکار معنای آن چیزی معادل رایج، جاری، مرسوم و متداول بود (زیگمون بامن به نقل از نوذری، ۱۳۷۹: ۲۵). گلشیری در این دو اثر حرکت داستان‌نویسی ایران به سوی مدرنیته را آشکارا نشان داده است.

۱-۹- روایت

روایت در معنای زنجیره‌ی رخدادهاست که در زمان و مکان واقع شده است (لوته، ۱۳۸۸: ۹). روایت بر اساس رابطه‌ی زمانی و رخدادهای داستان، چهار دسته است: روایت گذشته‌نگر، بازدارنده، هم‌زمان و درونه‌ای. در گذشته‌نگر که معمول‌ترین نوع هم هست رخدادهای داستان پس از این که اتفاق می‌افتند بازگو می‌شوند. (همان: ۷۲-۷۰). فنون روایتی نه هدف بلکه ابزاری برای رسیدن به تأثیرهای ویژه است. اما آن چه مهم است کارکردهای روایت است که همان طور مارتین گفته است، چپستی روایت را جز از راه کارکردش نمی‌توان دریافت (مارتین، ۱۱۵: ۱۳۸۶). بحث از روایت به دنبال خود خواننده را به مباحثی چون روایتگری و الگوی ارتباط روایی می‌کشاند.

۱-۱۰- روایتگری

اهمیت روایتگری در آن است که معرف بخشی از ادبیات یعنی حوزه‌ی داستان‌نویسی بوده است. واژه‌ی روایتگری اشاره دارد به: ۱- فرایند ارتباط که در آن فرستنده روایت را در قالب پیام برای گیرنده می‌فرستد. ۲- ماهیت کلامی رسانه که پیام را انتقال می‌دهد (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۱۰). در روایتگری تعامل بر سر متن است، نویسنده متن را ارائه می‌کند و خواننده پس از خواندن آن را تأویل می‌کند. پس از ارائه‌ی تعاریف فوق باید گفت، روایت و روایت‌گری چونان مقدمه‌ای برای دانستن شیوه‌ی ارتباطی است که در داستان میان نویسنده، راوی و خواننده وجود دارد. این ارتباط مبین شیوه‌ی روایت‌پردازی نویسنده بوده، به درک متن نیز کمک می‌کند.

۱-۱۱- الگوی ارتباط روایی

صحبت از روابط و الگوهای ارتباط روایی از گذشته‌های دور وجود داشته به طوری که قدمت آن را به زمان افلاطون و ارسطو نسبت می‌دهند (لوته، ۱۳۸۸: ۲۴). مطابق گفته‌ی لوته ارتباط روایی نشان دهنده‌ی فرایند انتقال از مؤلف به عنوان خطابگر، به خواننده به عنوان مخاطب است (همان: ۲۱).